

بررسی مهمترین منابع و کتب احتساب در دوره های ایلخانان، تیموریان و ترکمانان

بدریه فیاضی^۱، سید صادق سجادی^۲، علی ذاکری^۳

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ملل اسلامی، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

^۲ دانشیار، گروه تاریخ، مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی، پژوهشگاه ابوریحان، تهران، ایران

^۳ دانشیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

نویسنده مسئول: sadegh.sajjadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷

چکیده

معرفی کتاب یا کتاب شناسی یکی از مناسب ترین روشها در تهیه منابع و گسترش و حفظ سرمایه مکتوب در پیرامون موضوعی ویژه، موقعیت خاصی در ارائه تلاشها و خدمات علمی دارند. همه افراد به اهمیت کتابشناسی و کاربرد آن در پژوهش، اذعان دارند و پژوهشی که از منابع تخصصی اصلی خود برخوردار نباشد به سرانجام مطلوب نخواهد رسید. با توجه به اهمیت کتابشناسی ها در معرفی پیشینه علمی موضوع و عدم اقدامات موازی و تکراری، نگارنده در مقاله ی حاضر به روش توصیفی، تحلیلی، گزارشی از کتابهای تدوین شده در موضوع احتساب در دوران ایلخانان، تیموریان و ترکمانان را ارائه کرده است.

کلیدواژه: کتب احتساب، ایلخانان، تیموریان، ترکمانان

مقدمه

در طول سالیان متعددی که بحث حسبه در میان مسلمین مطرح شده است کتابهای زیادی چه بطور مستقل و یا غیر مستقل در این موضوع به رشته تحریر در آمده اند. معرفی و حفظ و نگهداری آنها وظیفه هر علاقه مند به میراث ارزشمند علمی کشور است تا گذر زمان نتواند تار نسیان بر این آثار تاریخی بکشد. درست است که بحث و بررسی موضوعات مربوطه به حسبه از دیرباز مطرح بوده و برخی تاریخچه حسبه را به قبل از اسلام برده و معتقدند که این نهاد از سازمانهای روم قدیم اقتباس شده است. (اقبال، ۱۹۷۱م، ص ۲۲) ولی تدوین کتابهای مستقل در این موضوع باید از روزی که جامعه از آن حالت سادگی و سنتی بصورت شهرنشینی تبدیل شد و روابط اجتماعی پیچیده تر شد، آغاز شده باشد. در این زمینه گفته اند: « آثار و تألیفات مربوط به حسبه را به دو گروه می توان تقسیم کرد. بنابر اطلاعات ما درباره این گونه آثار، اعم از آنچه فقط نام و نشان آنها را می دانیم، یا آثاری که اکنون در دست است، تا نیمه دوم قرن ۲ ق / ۸ م کتاب و رساله ای مستقل در این باره نوشته نشده است، یا ما از آن اطلاع نداریم. تا این تاریخ، روایات منقول از پیامبر (ص) و آثار و آراء فقهی که تا این زمان تألیف شده، یا گرد آمده بود، به خصوص ابواب مربوط به معاملات، یگانه منابع مباحث عملی و نظری حسبه به شمار می رفت؛ و البته همچنان ادامه یافت. علاوه بر آن، اندکی بعدتر نظریه پردازان حکومت در آثاری که می توان آنها را زیر عنوانهای عمومی آداب الملوکها و احکام السلطانیها و سیاست نامه ها قرار داد، فصل یا فصولی را به حسبه و اصول و مبانی آن اختصاص دادند. اما تصنیف و تألیف آثار مستقل درباره حسبه از وقتی شروع شد که شهرها توسعه یافت، مفهوم دولت و حکومت و امت و کارکردهای آن روشن تر شد و در چارچوبی استوارتر قرار گرفت، روابط اجتماعی روی به گسترش نهاد و شبکه هایی در هم تنیده از فعالیتهای مالی رشته های اصلی اقتصاد شهری را به دست گرفت.» (سجادی، ۱۳۹۱، ص ۴۹۰). اکنون به معرفی برخی از این آثار به ترتیب دوران تاریخی می پردازیم.

الف) ایلخانان (۷۵۰ هـ. ق - ۶۵۴ هـ. ق)

۱. تاریخ جهان گشای (۶۵۰ هـ. ق)

نویسنده این کتاب عطاملک جوینی، از دبیران و امیران دوران هولاکوخان، در حدود ۶۵۰ یا ۶۵۱ تا ۶۵۸ بوده است. این اثر از جمله مآخذ مهم و مستند تاریخ مغول می باشد، زیرا نویسنده دربار ارغون و هولاکو و پسرانش، آباقا و تگودار را درک کرده و از نزدیک بسیاری از وقایع آن دوره را دیده است، علاوه بر آن اتفاقاتی را که در آن حضور نداشته را فقط از شاهدان عینی آن نقل کرده است. (جوینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۰). این کتاب به لحاظ تاریخی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و مهمترین منبع در معرفی رویدادهای پایان کار سلطان محمد خوارزمشاه و ظهور و افول سلطان جلال الدین خوارزمشاه و

تاریخ اسماعیلیان نزاری یا صباحی ایران و فرمانروایان الموت، می باشد (وصاف، ۱۳۳۸، ص ۱۶). قزوینی در مقدمه کتاب تاریخ جهان‌گشای می گوید که: «بسیاری از مورخان معاصر جوینی یا پس از او، از این کتاب بهره برده‌اند، از جمله خواجه رشیدالدین فضل‌الله در جامع التواریخ» (جوینی، ۱۳۶۷، ج ۱، مقدمه قزوینی، ص ۵۷). بنا به گفته بویل، جوینی در مدت حضور در مغولستان در ۶۵۱-۶۵۰، به تاریخ سرتی مغولان دسترسی داشته است و ظاهراً مغولانی که به حوادث اشراف داشته و معتمد بوده‌اند، آن را برای وی ترجمه کرده بوده‌اند (بویل، ۱۳۵۳، ص ۵۱۱). افزون بر اینها کتاب تاریخ جهان‌گشای منابع مهم اسماعلیه را در بر داشته و هلاکو پس از فتح قلعه الموت کتابخانه آنجا را در اختیار او قرار داده بود. (جوینی، ۱۳۶۷، ج ۱، مقدمه ص ۵۷). در کتاب جوینی و در زمان ایلخانی علاوه بر محتسب از «شحنه بازار» یاد می شود و در حقیقت به محقق رفتن محتسب می باشد که وظائف او را بر عهده گرفته است. عبارات «علی بهادر را به شحنگی اورتاقان و اوزان نامزد کرد» که در کتاب آمده است، موبد این تغییر عنوان و وظایف است. (جوینی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۹۲) کتاب تاریخ جهان‌گشای از لحاظ ادبی هم حائز اهمیت است و همانطوری که ملک الشعرا ی بهار گفته: «تاریخ جهان‌گشای از لحاظ ادبی بسیار مهم است و نمونه‌ای برجسته از نثر فنی، مصنوع و فاخر دبیرانه پرسی در سده ۷/۱۳م به شمار می‌رود. پس از جوینی ابن بی‌بی، مؤلف الاوامر العالییه و وصاف شیرازی، مؤلف تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار شیوه او را ادامه دادند. وصاف که دنباله‌رو و ذیل‌نویس تاریخ جهان‌گشای نیز بود، (نک: دنباله مقاله) به سبب افراط در آوردن واژگان نامأنوس، دور از ذهن و عبارات، اشعار و امثال فراوان عربی این شیوه را به انحطاط کشانید.» (بهار، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۵۲). بهار در کیفیت نثر تاریخ جهان‌گشای معتقد است که: «نثر تاریخ جهان‌گشای آمیخته با آیات و احادیث و امثال و آرایه‌های لفظی و معنوی و اشعار عربی و فارسی متناسب با موضوع است. بیش‌تر اشعار فارسی این کتاب از فردوسی و مسعود سعد و ظهیر فاریابی، و اشعار عربی آن از شاعران مشهور دوره جاهلی و عباسی است.» (بهار، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۵۳). همچنین در این کتاب لغات و کلمات مغولی برای نخستین بار به کار رفته است. این کتاب در صرف و طریقه استعمال افعال، لغات و ضمائر فارسی، با نثر دوره خود تفاوت‌هایی دارد. نثر تاریخ جهان‌گشای بخشی کاملاً مصنوع و بخشی تقریباً ساده دارد و بخش سوم - که مطالب آن از نویسندگان دیگر نقل شده است - از متن مؤلف ساده‌تر است. (همان). چاپ فعلی این کتاب در سه جلد است. جلد اول به تاریخ چنگیز و فرزندان او، جلد دوم، مباحث خوارزمشاهیان و قراختانیان، گورخانیان تا ورود هولاکو و بالاخر جلد سوم به تاریخ منوقآن و تفصیل حمله هولاکو به ایران، قلع و قمع اسماعیلیه می پردازد. کتاب تاریخ جهان‌گشای خواننده را به جزئیات وقایع و اوضاع اقتصادی، اجتماعی، بافت شهرها و موقعیت جغرافیایی آن‌ها و اسامی قدیمی شهرها و آداب رسوم مردم آن دوره‌ها و بالاخره فعالیت‌ها و شرح وظائف محتسبان را به تصویر می‌کشد. به نظر می‌رسد جوینی برخی حوادث مربوط به مغولان را در کمال بی‌طرفی بیان داشته و از سختگیری‌های مغولان ابایی نداشته است. (جوینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۹). و اما جوینی برای تالیف کتابش از منابع مهمی استفاده کرده است که عبارتند از کتاب مشارب التجارب ابوالحسن بیهقی و جوامع العلوم فخرالدین رازی، کتاب زبده التواریخ سیدصدرالدین (علی حسینی)، تاریخ ناصری، تاریخ بیهقی و تاریخ یمینی. (جوینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۴) همچنین جوینی در تدوین تاریخ اسماعیلیان از سرگذشت سیدنا و تاریخ جیل و دیلم استفاده کرده است (همان، ج ۱، ص ۸) کتاب تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار یا همان تاریخ وصاف نوشته عبدالله بن فضل‌الله وصاف شیرازی ادامه کتاب تاریخ جهان‌گشای جوینی است. وصاف در مقدمه جلد نخست کتاب خویش بدین معنی تصریح کرده است (وصاف، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۴). علاوه بر آن کتابهای، جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله، تاریخ مختصرالدول ابوالفرج بن عبری منابعی هستند که از جوینی استفاده کرده‌اند (ابن عبری، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۶۱۷). حتی پژوهندگان غربی هم عنایت خاصی به این کتاب دارند «کاترمر» آنرا به خوبی معرفی کرد و «دوسون» در کتاب تاریخ مغولان خود از آن استفاده کرد. همچنین «الیت داوسن» در کتاب تاریخ هندوستان و «راس» در تصحیح تاریخ رشیدی به مطالب آن اشاراتی دارند. در عین حالی که «شفر» و «هوتسما» و «المان» بخش‌هایی از آنرا ترجمه کرده‌اند. در ۱۹۵۸م جان اندرو بویل متن کامل تاریخ جهان‌گشای را بر اساس چاپ تصحیح شده قزوینی با حذف مقدمه انگلیسی آن ترجمه، و در انگلستان منتشر کرد. (بارتولد، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۸). این ترجمه در ۱۹۹۷م در واشینگتن تجدید چاپ شد. در ۱۹۸۵م محمد تونجی، استاد دانشگاه حلب همان را به عربی ترجمه کرد و در دو جلد منتشر ساخت. مینورسکی، تاریخ جهان‌گشای را به انگلیسی ترجمه کرد که دانشگاه منچستر (۱۳۳۶ش / ۱۹۵۷) و دانشگاه هاروارد (۱۳۳۷ش / ۱۹۵۸) آن را در دو جلد چاپ کرده‌اند (براون، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۸۳۱). بویل نیز این کتاب را به انگلیسی ترجمه کرده که در ۱۳۳۷ش / ۱۹۵۸ در منچستر به چاپ رسیده است. وی همچنین تاریخ جهان‌گشای جوینی و جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله را به عنوان منابع تاریخ مغول بررسی نموده، که اسماعیل دولتشاهی آن را ترجمه و در مجله سخن چاپ کرده است. (بویل، ۱۳۵۳، ص ۵۰۷).

۲. معالم القربه فی احکام الحسبه

کتاب «معالم القربه فی احکام الحسبه» نوشته ابن اِخْوَه، یا اِبْن اُخْوَه، ضیاءالدین محمد بن محمد بن احمد بن ابی زید قرشی (۶۴۸-۷۲۹ق) فقیه و محدث شافعی است. ابن اخوه در مقدمه کتاب خود (ص ۳) تصریح کرده که در فروع پیرو فقه شافعی و در اصول اشعری بوده است. ابن حجر (همانجا) حائز اهمیت است که غالب اطلاعات موجود در این کتاب مطالبی است که مؤلف مستقیماً آموخته و آن را ثبت نموده است نه اینکه از مآخذ پیشین نقل کرده باشد. است که توسط آقای جعفر شعار بنام آیین شهرداری، از متن عربی ترجمه شده است. (ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص ۹). این کتاب درباره مسائل مربوط به دانش اقتصاد یعنی کسب و کار و پیمان و ترازو و اوزان و مقادیر و نیز خواص انواع گیاهان دارویی و همچنین علم اجتماع یعنی رفتار عمومی و

مناسبات مردم با یکدیگر و حسن معاشرت و منع از تجاوز و تعدی افراد به همدیگر و سرانجام بهداشت عمومی گفت‌وگو شده است. حائز اهمیت است که غالب اطلاعات موجود در این کتاب مطالبی است که مولف مستقیماً آموخته و آن را ثبت نموده است نه اینکه از مآخذ پیشین نقل کرده باشد. ترجمه انگلیسی این کتاب در کمبریج به چاپ رسیده است. برای پی بردن به مسئولیت‌هایی که مقام حسبه در زمان ایلخانان بر عهده داشت باید به کتابهای همان دوره و بخصوص کتاب معالم القریه فی احکام الحسبه که اتفاقاً در دوران ایلخانان به نگارش درآمده مراجعه کنیم. نویسنده کتاب خودش از محتسبان متعصبی بوده که مدهانه و سازشی در باره برخورد با متخلفان ندارد. از محاسن این کتاب، آن است که مؤلف تنها به بیان حکم فقهی بسنده نکرده، بلکه وارد موضوع و مصداق نیز شده و موارد علمی هر یک را نشان داده و وظایف محتسب را در آن موارد یاد کرده است. در این کتاب، به گونه‌ای درباره مسائل اقتصادی، کسب و کار، پیمانها و وزن‌ها، جامعه‌شناسی و مناسبات مردم با یکدیگر، حسن معاشرت و منع از تجاوز و تعدی افراد به همدیگر و حتی منع از آزار رسانیدن به ستوران و در نهایت، درباره بهداشت عمومی بحث شده که مایه شگفتی است. ویژگی این اثر آن است که، یکی از مهم‌ترین و مبسوط‌ترین کتابهای خاص حسبه، و کتابی است مشتمل بر ۷۰ باب که غیر از بحث درباره شرایط حسبه و اوصاف محتسب و مبان امر به معروف و نهی از منکر، به تقریب درباره احتساب همه مشاغل آن عهد سخن رانده است. (سجادی، ۱۳۹۱: ۴۹۲). ابن اخوه گوید: «حسبه از پایه‌های امور دینی است و پیشوایان صدر اسلام بدین کار مباشرت می‌کرده‌اند زیرا نیکی آن عام و ثوابش فراوان است. اما اگر کار نیک در جامعه طرد شود حسبت آن امر به معروف خواهد بود و چون کار بد آشکار گردد نهی از منکر لازم است. در هر دو حال محتسب از سوی امام یا نایب وی برای نظارت در احوال رعیت و بازبینی کارها و مصالح آنان تعیین می‌شود. (ابن اخوه، ۱۹۷۶: ۱۲۴). کتاب مشتمل بر مقدمه تحقیق، مقدمه تالیف و متن کتاب در هفتاد باب است. هر یک از ابواب نیز مشتمل بر یک یا چند فصل است. در مقدمه تحقیق کتاب به اهمیت و ارزش منصب محتسب، وظایف او و تاریخ احتساب در زمانهای گوناگون و خصوصاً در صدر اسلام پرداخته شده است. اهمیت نسخ خطی کتاب، روش و شیوه تحقیق، امور حسبه در صدر اسلام، بیان و شرح علم احتساب، حسبه و ارکان آن، اعمال و صفات محتسب، محتسبون اولیه در بلاد عربی و مصر از دیگر مطالب ذکر شده در مقدمه است. مولف نیز در مقدمه پیرامون موضوع کتاب و ابواب آن سخن می‌گوید و عناوین ابواب کتاب را ذکر می‌نماید. محتسب به معنای داروغه است و به کسی که مسئولیت حفظ نظم شهر را برعهده دارد می‌گویند. انجام این امر مهم، ابعاد گوناگونی دارد که در این زمینه احکام و مسائل گوناگونی بیان نموده‌اند. به مجموع این امور و احکام پیرامون منصب حسبه، علم احتساب گفته می‌شود. متن کتاب همانگونه که بیان شد پیرامون منصب محتسب در هفتاد باب تالیف و تدوین گردیده است. مؤلف، عنوان هر باب را در ابتدا ذکر می‌نماید، وظایف محتسب را در امور گوناگون بیان می‌کند و سپس در فصول متعدد به شرح و توضیح آن امر می‌پردازد. آن چه مؤلف در ابواب کتاب بیان می‌کند را می‌توان مختصر در این امور دانست. آقای جعفر شعار این کتاب را با عنوان «آیین شهرداری» به زبان فارسی ترجمه کرده است.

۳. تاریخ مبارک غازی

کتاب تاریخ مبارک غازی نوشته رشیدالدین فضل الله بن عمادالدوله ابواخیر به زبان فارسی است و به مباحث مختلفی از جمله تاریخ ایلخانان در ایران، از هولاکو تا غازان خان اشاره می‌کند و وضع مردم، مشکلات زندگی آنان، طرز معیشت، اوضاع مذهبی و طرز سلوک عمال دولت با کارگزاران و کارکردهای نهاد حسبه را در آن دوره بازتاب می‌دهد. شیوه نگارش کتاب ساده و روان و نوشته‌های مغولی آن به زبان فارسی محاوره‌ای روزگار مؤلف ترجمه شده است. به نظر می‌رسد او در این کتاب نظرات اصلاحی دوران خود را برای غازان خان تدوین کرده است و خود بانی این کار بوده است. پادشاه واجد شرایط از نظر او غازان خان است و ویژگیهای او را جهت الهام‌گیری به دیگران توصیه می‌نماید. در این کتاب دوران ایلخانان بخوبی به تصویر کشیده شده و اقدامات دولتمردان را با ذکر جزئیات بیان می‌کند. وفاداری رشیدالدین فضل الله به ایلخانان مغول باعث نشده که از اقدامات نامناسب آنها انتقاد نماید. بنابراین او با صراحت تمام، تأثر خود را از کشتارها، ویرانگری‌ها و غارت‌های آنان بیان می‌کند. او همچنین از وزیران قبلی ایلخانان و مفسد اداری و دیوانی آنها بشدت انتقاد می‌کند. تاریخ مبارک غازی، فقط نقل تاریخی صرف نیست بلکه به مسائل حقوقی و دیگر اطلاعات مورد نیاز هم توجه کرده. در این کتاب در خصوص اختلافات حقوقی و قضایی میان مسلمانان و مغولان، به نقل از غازان خان آمده است: «دعوی که میان دو مغول باشد و یا میان یک مغول و یک مسلمان و دیگر قضایا که قطع و فصل آن مشکل باشد، فرمودیم تا در هر ماهی، دو روز شمائی، ملوک، بیتکچیان، قضات، علویان و دانشمندان در مسجد جامع به دیوان المطالبه جمع شوند و دعاوی به جمعیت بشوند و به کنه آن رسیده به موجب حکم شریعت به فیصل رسانند.» اما در حال ذکر می‌کند این تمهیدات، شامل شاهزادگان و امرای مغول و ترک نیست. «و یا آورده است که: «اگر مغولان به زور و غارت و کشتار رعایا را نابود کنند، بعد از آن چه می‌خواهند بکنند، آیا نباید رعیتی باشد، تا همیشه جریان مالیات و بهره‌های دیگر برای اربابان مغول فراهم باشد. لذا عقل حکم می‌کند، در حق رعایا جانب انصاف را رعایت نموده تا همیشه این جریان کالا و مال برقرار باشد.» (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۷۳، ص ۴۵). نویسنده در جای جای کتاب از غازان خان به نیکی یاد می‌کند و اقدامات اصلاحی او را ستایش می‌کند. مثل این که می‌گوید: «فرمان داد همه قضات، علما و مدیران امور شرعی همچون محتسبان، دعاوی را بر پایه قواعد شرعی و موازین عدل، حل و فصل واز تزویر و ستم دوری کنند.» (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۵۸: ۲۲۱). خواجه

رشیدالدین فضل‌الله از یک طرف با تدبیر و سیاست ممالک وسیع غازی را اداره می‌کرده و از طرف دیگر در ترفیع حال رعایا، اصلاح امور مالی، ساخت ابنیه و آثار خیره‌باغازان خان مشارکت داشته‌است. خواجه همچنین وقایع و اتفاقات ایام را به ثبت رسانده‌است. (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۷: ۳۱۲).

۴. سفرنامه ابن بطوطه

گزارش سفر طولانی محمد بن عبدالله اللواتی الطنجی معروف به ابن بطوطه متوفی (س ۷۷۹ق) با عنوان «رحله ابن بطوطه، تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار» به زبان عربی از دیگر منابع مهم ایلخانان است. او در شهر طنجه سال ۷۰۳ ق / ۱۳۰۴ م. در مغرب (مراکش) به دنیا آمد و سال ۷۲۵ ق. به سوی مکه عزیمت نمود و مصر، شام، فلسطین، حجاز، عراق، ایران، یمن، بحرین، ترکستان، بین‌النهرین و بخشی از هند و چین، جاوه، شرق اروپا و شرق آفریقا را پیمود و سرانجام به مغرب (مراکش) نزد شاه ابی عنان از شاهان بنی مرین برگشت. سفر او ۲۷ سال به درازا کشید. و در مراکش سال ۷۷۹ق / ۱۳۷۷ م. درگذشت. ابن بطوطه تقریباً معاصر با مارکو پولو بود ولی بیش از سه برابر مارکوپولو راه پیمود. ابن بطوطه را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین سیاحان تاریخ بشری محسوب کرد. (کراچکوفسکی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۰). این کتاب شامل پنج جلد است که در جلد اول مقدمه‌ای از محقق کتاب و سپس پنج فصل اول کتاب ذکر شده است. در جلد دوم تتمه فصل پنجم و فصل ششم تا هشتم، در جلد سوم، فصل نهم تا سیزدهم، در جلد چهارم فصل چهاردهم تا هجدهم و در انتهای آن ملحقات کتاب آورده شده است. جلد پنجم نیز به طور کامل، به فهرست کتابها اختصاص داده شده است. سفرنامه ابن بطوطه تقریباً سراسر جهان اسلام آن روزگار و بلکه بخشی از کشور روم شرقی و آسیای صغیر را که هنوز به دست مسلمانها نیفتاده بود، شامل می‌شود. ابن بطوطه از سفرنامه ابن جبیر خبر داشته، و از آن، به خصوص در توصیف شهر دمشق نقل کرده و از ابن جبیر با تجلیل و احترام نام می‌برد. سفر ابن بطوطه، در حالتی انجام یافته که کشورهای اسلامی و دربارهای آنها دچار یک نوع اضطراب سیاسی و اختلاف درونی و خانوادگی بوده‌اند و ابن بطوطه بیشتر این دگرگونیها را در سفرنامه خود منعکس نموده است. توفیق ابن بطوطه در این سفر طولانی، بیشتر معلول سه عامل شایع و گسترده است: برادری اسلامی، قدرت و قوت شعور دینی و اخلاق و آداب و مزایای روحی مسلمانان. به همین خاطر همه جا مورد استقبال علما و به خصوص صوفیه، دربارها و شخصیت‌ها قرار می‌گرفته و حتی در هند چند سال به قضاوت پرداخته است. وی همه جا از کمکهای بی‌دریغ پادشاهان و دانشمندان و به خصوص از خیرات و مبرات و اوقاف خانقاهها و زوایا که غالباً ابن بطوطه در این مکان‌ها وارد می‌شده برخوردار بوده است. او بیش از همه فرقه‌ها و طبقات مردم به صوفیه علاقه‌مند بوده و چند نوبت خرقة درویشی پوشیده است؛ کما این که از بسیاری از محدثان بزرگ به خصوص در شام، اجازه حدیث دریافت داشته است. (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، مدخل ابن بطوطه، ص ۱۲۰). ابن بطوطه پس از سالها سیاحت و مسافرت سیاحت‌نامه‌ی خود را نوشت و آن را به محمد بن محمد بن جزی داد و ابن جزی آن را تنقیح و تهذیب نمود و به سبک عبارات عربی در آورد. ابن جزی در ۷۵۷ق (۱۳۵۴ م) یعنی در همان سال فراغ از تنقیح سفرنامه در گذشت و قسمتی از سفرنامه به خط ابن جزی هم‌اکنون در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد. اما عمل ابن جزی منحصر به تنقیح و تکمیل عبارات نیست و چنانکه از متن سفرنامه مستفاد می‌شود بسیاری از مطالب هم با قید «قال ابن جزی» بر آن افزوده و مخصوصاً اشعار بسیاری به مناسبت نقل کرده است و بنابراین در حقیقت علاوه بر تهذیب عبارات حواشی بسیاری نیز بر کتاب افزوده که به نوبه‌ی خود مورد استفاده‌ی محققین می‌باشد. ابن بطوطه در خلال سفر طولانی خود، چهار بار به ایران یا به قول خودش «فارس» یا «بلاد عجم» وارد شده است. هر بار از یک ناحیه از ایران، ولی او هیچ‌گاه سراسر ایران را در یک نوبت سیر نکرده است. در خلال این سفرها اوضاع اقتصادی و نحوه فعالیت های بازار و کنترل دقیقی که از طرف ماموران دولتی و محتسبان اعمال می‌شود را بیان کرده است. داوری به‌حق درباره ابن بطوطه آن است که او در همه آراء و نظراتش از توده‌ها و ملت‌های مسلمان و دربارها و خانقاهها سخن می‌گفت نه از علمای مذاهب و فقها و متکلمان. پس او را باید یک نویسنده مردمی دانست و نه از جمله نویسندگان کنجکاو و اهل تحقیق و درایت. او هر چه را دیده و شنیده نوشته است نه آنچه را با دقت بررسی و تحقیق نموده است. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۶، ص ۴).

۵. تاریخ مختصرالدول

تاریخ مختصرالدول، کتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی تألیف ابن عربی (۶۲۳-۶۸۵)، دانشمند و مورخ مسیحی یعقوبی، مؤلف این کتاب را از بخش نخست کتاب دیگرش در تاریخ عمومی، که به زبان سریانی بوده، ترجمه و تلخیص کرده و در اواخر عمر در مراغه به درخواست دوستان مسلمان خویش، مطالب تازه‌ای در تاریخ اسلام و مغول به آن افزوده است. این کتاب به ده «دولت» (بخش) تقسیم می‌شود. هشت بخش نخست آن که یک سوم کتاب را دربرمی‌گیرند، بترتیب عبارت‌اند از: دولت اولیا، در باره ویژگیها و دستاوردهای فرهنگی ملل باستان و آفرینش آدم و حوا و سرگذشت فرزندان آنان تا درگذشت موسی علیه‌السلام؛ دولت داوران بنی اسرائیل، شامل تاریخ بنی اسرائیل پس از موسی تا روزگار شموئیل پیامبر؛ دولت پادشاهان بنی اسرائیل، در باره سرگذشت بنی اسرائیل از زمان شموئیل تا لشکرکشیهای بختنصر آشوری به اورشلیم و اسارت یهودیان به دست او؛ دولت پادشاهان کلدانی، در باره اوضاع روزگار بختنصر و فرزندان او؛ دولت پادشاهان ایران، در باره سرگذشت پادشاهان هخامنشی طبق رویدادهای تاریخ یهود؛ دولت پادشاهان بت‌پرست یونانی، در باره دوره اسکندر و جانشینان او؛ دولت پادشاهان فرنگ، در باره تاریخ سرزمین روم از روزگار آوگوستوس تا زمان

یوستی‌نیانوس سوم؛ و دولت پادشاهان مسیحی یونانی، شامل تاریخ فرمانروایی روم شرقی (بیزانس) از زمان تیبریوس تا روزگار هراکلیوس/ هرقل. بخش عمده تاریخ مختصرالدول، با عنوان دولت نهم، دولت پادشاهان عرب مسلمان، در باره تاریخ جهان اسلام است که از زندگی محمد آغاز می‌شود و پس از ذکر خلفای راشدین تا پایان دوره عباسیان را در برمی‌گیرد. بخش آخر کتاب نیز به دولت مغولان در زمان هولاکو، اباقا و ارغون اختصاص دارد. آخرین رویداد تاریخی کتاب، قتل شمس‌الدین جوینی به دستور ارغون در ۵ شعبان ۶۸۳ است. (ابن العبری، ۱۳۷۷، ص ۱۲). ابن عبری، پس از ابوریحان بیرونی، از معدود مورخان شرقی است که فهرست نسبتاً دقیقی از پادشاهان هخامنشی را آورده است. در این فهرست، اسامی چهارده پادشاه با ذکر مدت سلطنت آنان و رویدادهای مهم روزگارشان طبق حوادث تاریخ بهیود، از جمله آزاد شدن تبعیدیان یهودی به دستور کوروش، آمده است. بررسی متن و اشارات مؤلف نشان می‌دهد که وی مطالب کتاب را از منابع یونانی و رومی گرفته و آنها را با رویدادهای عهد عتیق تکمیل کرده است.

ب) تیموریان (۸۰۷ تا ۹۱۳)

۱. روضه الصفا

روضه‌الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء یا اختصاراً روضه‌الصفا کتاب تاریخ عمومی به زبان فارسی نوشته محمد بن خاوند شاه معروف به میرخواند است. میرخواند در این کتاب حوادث تاریخ جهان، از آغاز آفرینش تا روزگار خود یعنی دوران حکومت سلطان حسین بایقرا را آورده است. روضه‌الصفا شامل ۷ قسم است که نویسنده قسمتی را از تاریخ‌های عربی ترجمه و اقتباس کرده است و قسمتی را نیز از تاریخ‌های فارسی نقل کرده است. پس از درگذشت میرخواند، نوه دختری او خواندمیر به تکمیل کتاب روضه‌الصفا پرداخت و حوادث تاریخی را از شرح تاریخ زندگانی سلطان حسین بایقرا تا حوادث تاریخی سال ۹۲۹ قمری به صورت تکمله‌ای بدان افزود. این اثر تاریخی و جامع که از آثار فارسی مفصل دوره تیموری به شمار می‌رود، به گزارش تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا پیدایی اسلام و تا روزگار خود؛ یعنی دوران حکومت سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ - ۸۴۲ ق) می‌پردازد. روضه الصفا هفت بخش دارد و نویسنده آن به ترجمه بخشی از تاریخ‌های عربی و اقتباس از آنها پرداخته و بخش‌هایی را از تاریخ‌های فارسی نقد کرده و بخش پایانی آن را دختر زاده‌اش قیاس‌الدین بن خاوند میر با نام حبیب‌السیر پس از مرگ وی کامل کرده است. رضا قلی خان هدایت در نیمه نخست سده سیزدهم (روزگار قاجار) جلدهای هشتم تا دهم (تاریخ صفویه، افشاریه، زندیه و قاجار) را بدان افزود و آن را روضه الصفا ناصری نامید (باهر، ۱۳۸۲، ص ۲۸). در این کتاب از اقدامات حاکمان در تقویت نهاد حسبه و احترام صوری و یا شاید هم قلبی به متولیان مذهبی و بخصوص به سادات که وجاهت خاصی به مشروعیت آنها می‌داد، سخن رفته است. در این میان جایگاه مفتیان و فقها و محاسبان خیلی حساس و مهم بود. برای همین نقل شده که تیمور در جنگها و گسیل لشکر، عده ای از اینها را به همراه می‌برد تا از فتاوی و نظرات آنها استفاده نماید. (میر خواند، ۱۳۸۰، ج ۴۵۴: ۶). این کار به آنها وجاهت و مشروعیت خاصی می‌بخشید و می‌توانستند حمایت افکار عمومی مردم را نیز با خود همراه کنند و در صورت نیاز از نیرو و توان آنها در فتوحات بزرگ یاری گیرند.

۲. حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر

حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر با نام کوتاه حبیب‌السیر کتابی است به زبان فارسی، در تاریخ عمومی جهان، نوشته غیاث‌الدین خواندمیر (۸۸۰-۹۴۱ ق). کتاب از پیشدادیان آغاز میشود و به حوادث پایان عمر شاه اسماعیل خاتمه می‌یابد. در پایان کتاب شمه‌ای در کرامات سادات و عجایب عالم ذکر می‌شود. کتاب به نام خواجه حبیب‌الله وزیر هرات نوشته شده است. پس خواندمیر آن را حبیب‌السیر خوانده است. نثر حبیب‌السیر جز در مقدمه‌ها و خطبه‌ها ساده یا بینابین است. (شمیسا، ۱۳۸۴، ص ۷۲). این کتاب مشتمل است بر دیباچه و افتتاح و سه مجلد یا درج (هر مجلد شامل چهار جزو یا عقد) و خاتمه. در دیباچه، حمد و ثنای خدای تعالی و نعت پیامبر اسلام و حضرت علی و ائمه علیهم‌السلام و نیز فواید علم تاریخ و اخبار، ممارست مؤلف بر این علم، ذکر نام و نسب مؤلف و تألیفاتی که داشته و همچنین علت تألیف کتاب، و در مقدمه درباره مخلوقات و خلق شدن طبقات آسمان و زمین و همچنین بیان احوال جنیان و حکومت و ریاست ابلیس در میان ایشان مطالبی ذکر شده است. مجلد اول، در احوال انبیا و حکما، ملوک عجم و عرب و قیصران تا ظهور اسلام، احوال پیامبر اسلام و وقایع دوره خلفای نخست است. مجلد دوم، در بیان مناقب و مفاخر ائمه اثنا عشر، وقایع دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس و پادشاهان معاصر عباسیان (از طاهریان تا سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه) است. مجلد سوم مشتمل است بر ذکر وقایع سلطنت خانهای ترکستان، حکومت چنگیزخان و جانشینان او بر ایران تا احوال سلطان احمد نغودار، همچنین درباره ملوک مصر، قراختیایان کرمان، آل مظفر، اتابکان لرستان، ملوک رستمدر، ملوک طبرستان، سرداران و ملوک کرت، احوال امیر تیمور گورکان و اولاد و احفاد او و نیز گروهی از رجال و سادات و سرانجام درباره ظهور دولت صفویه و احوال شیخ‌صافی‌الدین، صدرالدین موسی، سلطان حیدر و شاه‌اسماعیل اول صفوی و طایفه‌ای از علما و سادات. خاتمه ی کتاب نیز در ذکر بدایع و غرایب ربع مسکون و عجایب وقایع جهان است. خواندمیر تألیف کتاب را در ۹۲۷ آغاز کرد ولی پس از بروز فتنه در هرات و کشته شدن غیاث‌الدین امیر محمد حسینی وزیر— که خواندمیر به تشویق وی شروع به نوشتن کتاب کرده بود— حدود هشت ماه تألیف کتاب متوقف شد و مجدداً در زمان حکومت دورمیش‌خان در هرات، از جانب شاه‌اسماعیل اول صفوی و با تشویق کریم‌الدین حبیب‌الله ساوجی وزیر، تألیف آن را از سر گرفت و در ربیع‌الاول ۹۳۰ کتاب را به پایان رساند و آن را به نام همین وزیر، حبیب‌السیر نامید. (خواند میر، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴). ماده تاریخ خاتمه کتاب

سه‌تاست: «آثار الملوک و الانبیاء» و «خبر از جهانیان» در ضمن یک بیت، و نیز «اخباره صحیحه» به نقل از شعری از شهاب‌الدین احمد خفری که به حساب جمل هر سه ۹۳۰ می‌شود (خواند میر، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۷۰۲). حبیب‌السیر، پس از روضه‌الصفاء، معروف‌ترین تاریخ فارسی بعد از دوره مغول به‌شمار می‌رود. (خواند میر، ۱۳۶۲، ج ۱، مقدمه همایی، ص ۱۱). ویژگی حبیب‌السیر، در مقایسه با دیگر تاریخهای فارسی، جامعیت و تنوع مطالب و ابتکار مؤلف در تاریخ‌نگاری است. درست است که، کتاب حبیب‌السیر خواند میر با آن جامعیت و ابتکار مؤلف در تاریخ‌نگاری، احوال وزیران، بزرگان سادات و مشایخ، عالمان دینی و شاعران و هنرمندان را تا تاریخ ۹۳۰ هجری قمری شرح داده ولی از نهاد حسبه و محتسب سخن زیادی به میان نیاورده است. معرفی نسبی نهاد حسبه و حضور محتسبان شاخص در این کتاب آمده است و از برخورد های حاکمان با مناهای و منکرات به نیکی یاد شده. منجمله از جمله دستوراتی که شاهرخ برای آنها داده بود، ریختن شرابها و شکستن خم‌ها در منازل افراد بود. در گزارشی که اینان برای پادشاه در تحقق قلع و قمع شرابخواران واز بین بردن شرابها دادند، فقط دونفر را از قلم انداخته بودند که از جمله شاهزادگان بودند. در این هنگام شاهرخ خود راسا اقدام نمود و بعد از رفتن و شناسایی شرابها دستور امحاء آن را صادر نمود. (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۴). و در خدمات رفاهی و تهیه زیرساخت های جامعه توسط حاکمان می گوید که وقتی که در کشور آرامش نسبی برقرار بود و سال وفور نعمت بود به آبادانی شهرها همت می گماردند. در این رابطه گفته اند که شهر هرات در سال ۸۱۳ قمری در اوج آبادانی و رفاه بود و به فرمان شاهرخ، شوارع، جاده ها و بازارها بازسازی و بهسازی شدند و بازار شهر سرپوشیده گردید. (خواند میر، ۱۳۸۰: ۱۷۰). ویژگی دیگر این کتاب، بسط مطالب عهد تیموری و اوایل حکومت صفوی است و از این لحاظ بر روضه‌الصفاء نیز ترجیح دارد. خواندمیر در آخر هر دوره تاریخی، فصلی را به شرح احوال وزیران، بزرگان سادات و مشایخ، عالمان دینی و شاعران و هنرمندان معروف اختصاص داده است و این نوآوری در مورخان پس از وی، همچون اسکندربیک منشی، مؤلف عالم آرای عباسی، نیز تأثیر گذارده است. (بهار، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۲۰۶). البته باید توجه داشت که کمیت و شرح احوال این افراد در جلد سوم و پایان کتاب، بیشتر و بهتر می‌شود. اصولاً وقایع ۵۷ سال میان ی سالهای ۸۷۳ (که میرخواند از تحریر دنباله تاریخ روضه‌الصفاء بازمانده و خواندمیر کار او را به انجام رسانده است) تا ۹۳۰ که تاریخ پایان تألیف حبیب‌السیر است، چون حوادث عصر خواندمیر را دربردارد، مهم‌ترین و متقن‌ترین بخش کتاب به‌شمار می‌رود. (خواند میر، ۱۳۶۲، ج ۱، مقدمه همایی، ص ۳۳). خواندمیر تا سرانجام کار بدیع‌الزمان میرزا و سلطنت پسر او محمد زمان میرزا (۹۲۹)؛ یعنی ۲۶ سال پس از مرگ جدش میرخواند گزارش می‌دهد و به گفته استاد همایی، تفسیر احوال، وقایع و حوادث عصر پسران ابوسعید را به مجلد هفتم و امی‌گذارد که اثری از آن در دست نیست. اگر در این باره و بخش‌های دیگر کتاب مانند «تاریخ ایام ممدوحان و مرتبان» خود؛ یعنی سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیر نوایی چیزی نوشته باشد، آن را بر کاغذ نیاورده یا سوادش به دست نوه دختری او خواندمیر افتاده و او در تألیف حبیب‌السیر از آن بهره برده است. (آل داود، ۱۳۸۱، ص ۶۲). تاریخ صوفیه و احوال علما و رجال آن دوره (جلد هشتم)، تاریخ زندیه و احوال علمای آن عهد و اعقاب زندیه و پادشاهی آقا محمد خان قاجار و سلطنت فتح علی شاه قاجار و محاربات ایران و روس و جلوس میرزا ولیعهد در تبریز (جلد نهم) و سلطنت محمد شاه قاجار و ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا ۱۲۷۳ هجری (جلد دهم)، از افزوده‌های رضا قلی‌خان (هدایت) بر اثر خواندمیر است که گزارش‌های آن را تا ۱۸۵۷ میلادی دنبال می‌کند. هم‌چنین چندین صفحه درباره «تذکره احوال اعیان دولت و شعرا و علما و سایر مردمان بزرگ آن دوره» در پایان جلد نهم روضه‌الصفاء الصفا ناصری (پایان سلطنت فتح‌علی شاه قاجار) آمده است که نکته‌هایی درباره زندگانی آنان را در بردارد، اما این نکته‌ها در مجمع الفصحا و ریاض العارفین رضا قلی خان دیده نمی‌شود. گمان می‌رود که میرخواند همچون دیگر نویسندگان شماری از منابع تاریخی پس از سده ششم هجری، در بحث از تاریخ سلجوقیان با واسطه یا بی‌واسطه، مطالبی از ملک‌نامه، نوشته فردی ناشناخته نقل کرده باشد. اگرچه خواندمیر از اهل سنت به شمار می‌رفت، در این اثر فصل‌های مستقلی درباره امامان شیعیان نوشت و ماجرای خلافت علی بن ابی‌طالب (ع) را با انگیزه‌های کامل دنبال کرد. البته این خود پی‌آمد آمادگی ایرانیان و فرمان‌روایان این کشور برای انتقال مذهب و فراگیری تشیع بود.

ج) ترکمانان (۹۸۰-۷۴۸)

۱. کتاب دیار بکریه

این کتاب نوشته ابوبکر طهرانی، دیوانی و مورخ دربار ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو در سده ۹ ق/ ۱۵ م. است. و تنها تاریخی است که مستقلاً درباره ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو نوشته شده و به همین سبب از دیرباز شهرتی تمام داشته است. ابوبکر درباره نام کتاب گوید: «چون در سال هشتصد و هفتاد و پنج هجری معظم امور مرتبه درین کتاب محرر و منقح گشت و لفظ بکر هم در لقب محرر جزء ثانی و هم در اسم مملکتی که مولد و منشأ و محل ایالت حضرت صاحب قرانی «اوزون حسن» است، جزء ثانی واقع شده بود، موسوم شد به کتاب دیار بکریه که جمع آن از روی حساب ابجد هشتصد و هفتاد و پنج است» (طهرانی، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۸). ابوبکر طهرانی، قاضی و منشی و مورخ این طایفه در کتاب دیار بکر ضمن ذکر بنیادگذار این سلسله، نام اجداد اوزون حسن را معرفی کرده و در نهایت به اوغوز خان می‌رساند. از نظر اواق قویونلو، قبیله‌ای از اوغوزهای ترکستان بوده اند که از ترکستان به قبیجاچق و از آن جا به اران عزیمت و در همان جا توطن گزیده اند. (طهرانی، ۱۹۶۲، ج ۱: ۱۱). در کتاب تاریخ دیار بکریه (یا کتاب دیاربکریه)، نوشته ابوبکر طهرانی که خودش دیوانی و مورخ دربار ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو در سده نهم بوده و بیشتر آن‌ها را بر پایه مشاهدات خود نوشته و حتی اسامی

نوکران امیرانی که در جنگ‌ها شرکت داشتند را اشاره کرده ولی بعضاً از نهاد نظارتی حسیبه سخنی به میان آورده است. طهرانی قبل از فرمانروایی اوزون حسن بر آن بود که کتابی عامه‌پسند بنویسد که رویدادهای زمانه را در بر گیرد. وی اگرچه بدین کار موفق نشد، اما چندی بعد به فرمان اوزون حسن مأمور نوشتن تاریخ زندگی او شد. (همان، ص ۱۰) از آنجا که کتاب دیاربکر به تنها تاریخ اختصاصی درباره آق قویونلوست، از ارزش بسزایی برخوردار است. مؤلف پس از مقدمه کتاب، نسب اوزون حسن را با ۶۸ پشت به آدم (ع) می‌رساند (همان، ص ۳۰) و درباره هریک از آنان دانسته‌هایی به دست می‌دهد. وی سپس به شرح زندگانی قراعثمان (د ۸۳۹ق/۱۴۳۵م) بنیادگذار دولت آق قویونلو می‌پردازد. در واقع تاریخ این سلسله با شرح حال او آغاز می‌شود، اما مؤلف در نگارش این زندگی‌نامه، برخی از رویدادهایی را که موجب سرافکندگی این خاندان می‌شده، از آن جمله شکست قراعثمان از قرايوسف قراقویونلو (د 823ق/۱۴۲۰م) و پناهنده شدن او به نایب مملوکها در حلب و نیز حادثه محاصره قراعثمان توسط برّسبای، سلطان مملوک، در آمد (۸۳۶ق) و مجبور شدن او به صلح را نیاورده است. ابوبکر پس از آن رویدادهای بعد از مرگ قراعثمان و اخبار مربوط به فرزندان و نواده‌های او یعنی دوره حمزه بیگ (د ۸۴۸ق/۱۴۴۴م) و جهانگیر بیگ (د ۸۷۴ق/۱۴۶۹م) را به شرح نوشته است (همان، ص ۱۱۸). متن وسبک کتاب دیاربکر به ابوبکر طهرانی بصورت ادیبانه و به سبک نثر مسجع نوشته شده است. «قیل وقال اهل کتاب به تقلیل صراحی شراب و سؤال جواب اصحاب بیانگ و فریاد چنگ و رباب مبدل گشت، خم از کنج خمول به مجلس خرامید و هر چه از اهل زهد و تقوا در دل داشت و از خوف محتسبان در نشست و در گوشه نشست و اظهار نمی‌توانست کرد دل خود را از آن بپرداخت و مستان را از آن رازهای نهانی چنانچه دانی به نوعی سرخوش ساخت که صراحی وار به فیهقه بر محتسب خنده زنان گشتند و پیاله تا لبی به لب رسانید دم به دم هر چه به دست می‌آورد، خورایی به شکر لبان پسته دهان شیرین کلمات موزون حرکات می‌ساخت.» (طهرانی، همان، ص ۳۱۲). چنانچه ملاحظه می‌شود متن وسبک کتاب دیاربکر به ابوبکر طهرانی بصورت ادیبانه و به سبک نثر مسجع نوشته شده است. این کتاب، تنها منبعی است که به صورت مستقل درباره ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو وجود دارد و خود طهرانی از دیوان سالاران و مورخان دربار ترکمانان آق قویونلو و قره قویونلو بوده است. در هر صورت طهرانی مجلس عیش و نوش شاهانه‌ای را توصیف می‌کند که خبری از حضور محتسب نیست و نشان می‌دهد که در هر جایی اجازه دخالت و جولان به محتسبان نمی‌دادند. طهرانی با قرائنی که نشان می‌دهد، ثابت می‌کند که مساله احتساب مورد توجه حاکمان بوده است. کتاب دیاربکر از اهتمام سلطان قراقویونلو به این امر، چنین می‌گوید: «با آمدن جهانشاه میرزا به خراسان و شهر هرات و به دستور وی، مناصب قضا و احتساب را بر عهده گرفت.» (طهرانی، ۱۹۶۲: ۳۵۲).

۲. تاریخ عالم آرای امینی

تاریخ عالم آرای امینی کتابی است تألیف ادیب و مورخ قرن دهم فضل بن روزبهان خنجی در شرح تاریخ حکمرانی سلاطین آق قویونلو و ظهور صفویان. خواجه فضل‌الله در سال ۸۹۲ برای سومین بار از شیراز عازم حجاز شد؛ سپس در اردوگاه تابلستانی سلطان در دامنه کوه سهند تبریز به حضور سلطان یعقوب آق قویونلو رسید و کتاب بدیع الزمان را - که دیباچه اش به نام سلطان مصدر شده بود - تقدیم داشت که مورد اعجاب و تحسین فراوان قرار گرفت. در همین مجلس بود که خواجه به میل خود، تقبل کرد که تاریخ سلطنت آن پادشاه را بنویسد. در این رابطه سلطان یعقوب می‌گوید: «اگر تاریخ حیات ما را فضل‌الله بن روزبهان بنویسد، چنان که خود گفت، ناسخ تواریخ ملوک عالم خواهد بود.» (خنجی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۴). نظر به این که خود مؤلف، شاهد بسیاری از وقایع بوده و نیز قید داشته‌است که وقایع را صحیح و آنچه هست بنویسد؛ خصوصاً که هیچگاه درست نویسی و انصاف را از دست نمی‌دهد و به طوری که مشاهده می‌شود حتی نسبت به کسانی که با آنها مخالفت داشته‌است منصفانه مزایا و محسنات هر کس را می‌شمارد و از مورخین دیگر کمتر مغلوب احساسات می‌باشد. از قسمتهای مفید این کتاب، فصل مشروح و مفصلی است که در آن از اجداد پادشاهان صفویه و مخصوصاً از وقایع و حوادث و سرگذشت شیخ جنید و شیخ حیدر و مقدمات تکوین این سلسله، گفتگو می‌شود. مخصوصاً به این نکته باید توجه داشت که آنچه او نوشته‌است قبل از قیام شاه اسماعیل و اعلام سلطنت اوست و قطعاً متضمن احساسات موافق و مخالف نیست. (همان، ص ۱۷۵). روزبهان خنجی در راستای اشاعه و بسط تعالیم شرعی با حاکمان آق قویونلو تشریح مساعی می‌کرده است. او با دانش فقهی خود در خصوص پیاده کردن مسائل شرعی با حاکمیت رایزنی داشته و از اقدامات دینی حاکمان تمجید و ستایش می‌کرده است. (خنجی، ۱۳۸۲: ۳۳۲). برای نمونه او موضوع توقیف سیورغال را غیرمشروع دانسته است و گفته است که «نیز شرعاً توقیف را وجهی نیست» (همان: ۳۶۰). خنجی در این کتاب و در صفحات ۲۳۲، ۳۱۴، ۳۱۳، اشاره خیلی کوتاهی به محتسب کرده است. این در صورتی است که کتاب دیگر فضل‌الله خنجی یعنی سلوک الملوک از صفحه ۱۷۵ تا صفحه ۱۹۹، در ۲۴ صفحه بطور مستوفی درباره احتساب و مسائل مربوط به آن سخن گفته است. مینورسکی در سال ۱۹۵۶ ترجمه انگلیسی خلاصه‌ای از این اثر را به پایان می‌رساند. او در این رابطه به ایرج افشار می‌نویسد: «کتاب بنده که «تلخیص مفصلی» از تاریخ [عالم آرای] امینی را مندرج است به چاپخانه فرستاده شده‌است. این تاریخ همه جور تفسیر لازم دارد و بنده چند سال را سر آن گذرانده‌ام. (صفت گل، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶) در اثنا کتاب، خواننده به بسیاری از حوادث زمان سلطنت سلطان یعقوب و قبل از آن و احوال نواحی مختلفه ایران از قبیل آذربایجان، گرجستان، گیلان، مازندران، خوزستان، عراق، فارس، کرمان و غیره و به سرگذشت طوایف و امرای مختلف بلاد از قبیل آل کیا و مشعشعیان و حوادثی از قره قویونلوها و غیره آشنا می‌شود. کتاب مذکور میان سال‌های ۸۹۲ تا ۸۹۷ نوشته شده و در همین سال اخیر به سلطان ابوالفتح میرزا بایسنقر فرزند و جانشین سلطان یعقوب تقدیم گردیده‌است. این کتاب از منابع مهم تاریخ ایران و تنها منبع

دست اول و مفصل تاریخ فرمانروایی یعقوب آق قویونلو است که تاریخ مجمل دوره پادشاهی اوزون حسن (که مفصل آن در کتاب دیار بگریه نوشته ابوبکر طهرانی منعکس است) و پادشاهی کوتاه مدت سلطان خلیل پسر بزرگ او را نیز دربردارد. (همان).

۳. سلوک الملوک

این کتاب دیگری از فضل الله بن روزبهان خنجی است که مشتمل بر یک مقدمه به قلم مصحح، آقای محمد علی موحد، یک دیباچه و یک مقدمه به قلم مؤلف و پانزده باب است که هر یک به فصل هایی تقسیم می شود. انگیزه فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی فقیه، متکلم و مورخ اهل سنت از نگارش این کتاب راهنمایی و ارشاد عبدالله خان ازبک به اقامه یک دولت اسلامی و تطبیق حکومت با موازین شرعی بوده است. خنجی در سلوک الملوک بر آن است که طرحی از یک دولت اسلامی ارائه دهد، دولتی که بر اساس موازین شرع سازمان یافته و حدود و وظایف و اختیارات کارگزاران آن بر وفق فتاوی دو مکتب فقهی حنفی و شافعی تبیین شده است. (موحد، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۷۲۹). از نظر خنجی آق قویونلو به اهمیت و کارکرد نهاد مذهب در جامعه آگاه بوده و سعی در همراهی نهاد مذهب با نهاد حکومت داشتند. احیای دوباره منصب حجه الاسلام در زمان اوزون حسن (خنجی، ۱۳۸۲: ۳۵) افزایش فراوان قدرت صدر در زمان یعقوب (همان: ۳۳۵) و فرمان های صریح و قاطع یعقوب بر اجرای کامل شریعت در قلمرو آق قویونلو ها (همان: ۳۴۳) را می توان در این راستا به شمار آورد. یعقوب خودش دست به یک سری اصلاحات اجتماعی زد. خنجی این اهتمام و توجه به اصلاحات اجتماعی را زاینده تفکر و راهنمایی های استادش قاضی عیسی ساوجی می داند و می گوید: «قاضی مشارالیه را با آن حضرت نسبت استادی و رتبت تعلیم بود» (خنجی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۶). بنابراین در اثر این توجهات و تدابیر فریضه امر به معروف و نهی از منکر که به بوته فراموشی سپرده شده بود دوباره احیاء و محقق گشت. «موانع طاعت معمر و جوامع عبادت مجدداً معمر شد، امر به معروف به نفاذ موصوف گشت و نهی از منکر از عباد معروف شد». (خنجی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷). فضل الله در سلوک الملوک اساس و قواعد یک حکومت اسلامی را طرح ریزی می کند و نظامات مقرر در چنان حکومتی را ارائه می دهد. باب اول کتاب بحث از مناصب عمده حکومت را که وجود آنها برای اجرای احکام شرع ضروری تشخیص داده می شود مورد نظر قرار داده است. در این قسمت معنی امامت، طرز تعیین و اختیارات و وظائف و ارکان حکومت از امام و سلطان و وزیر و امیر تا شیخ الاسلام و مفتی و قاضی و مجتهد تشریح گردیده است. آنگاه اختیارات و وظایف که در زبان فقهای اسلام از آن تعبیر به «ولایت» می شود گاهی ناظر بر جان مردم است و گاهی ناظر بر دارائی آنها و گاهی در مسائلی است که هم جان و هم مال مردم را در حوزه تاثیر خود قرار می دهد. (همان، ص ۷۳۰). در مجموع مفاهیم کتاب یک دوره حقوق عمومی و اداری اسلام را به اضافه مباحث حقوق مدنی و جزائی اسلام در بردارد. همچنین از حقوق سیاسی اسلام و به طور کلی نهاد حکومت و بافت دولت در اسلام سخن رفته است که این مباحث را می توان وجه غالب کتاب به شمار آورد. در تدوین و تنظیم عناوین حقوق سیاسی اسلام، مولف از کتب پیشینیان مانند احکام السلطانیة ماوردی و احیاء العلوم غزالی و... به روایت خودش بهره برده است. (قنبری، ۱۳۶۴، ص ۱۸). برخی پژوهشگران، وی را در دسته اندیشمندان شیوه فقهاتی و شریعت نامه نویسی، جای داده اند و او را تأثیرپذیر از جلال الدین دوانی دانسته اند که با گسست از اندیشه فلسفی و در پی شریعت نامه نویسانی مانند ابوالحسن ماوردی (۳۶۴-۴۵۰ق) به تجدید آرمان خلافت پرداخت. از همین رو، وی را نماینده زوال و انحطاط اندیشه سیاسی در ایران و نیز بزرگترین نماینده اندیشه سیاسی دوره صفویان دانسته اند که این امر چندان نتیجه نوآوری وی در اندیشه سیاسی نبود، چنان که اگر وی «سلوک الملوک» را در دوره های دیگری می نوشت، این چنین در آن غور و بررسی نمی کردند. (نصیری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۹۶). او در دوره های به شریعت نامه نویسی پرداخت که دو خلافت امپراتوری عثمانی که مذهب سنی را به رسمیت می شناختند و صفویان که تشیع را مذهب رسمی شان بود، در برابر یکدیگر قرار گرفته بودند. افزون بر این، او در زمانی که زبان اندیشه سیاسی در ایران فارسی و زبان شریعت عربی بود، «سلوک الملوک» را در مخالفت با سنت رایج، به فارسی نوشت. (همان).

۴. احسن التواریخ

احسن التواریخ نوشته حسن روملو از مورخان و سربازان ایرانی عهد شاه تهماسب یکم صفوی است. (روملو، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۲). این کتاب وقایع تاریخی را از آغاز پادشاهی شاهرخ - پسر تیمور - در سال ۸۰۷ قمری/ ۷۸۳ خورشیدی آغاز می کند و به شرح حکومت های تیموریان، عثمانی، قراقویونلو، آق قویونلو، صفویان، ازبکان یا شیبانیان و برخی حکومت های جزئی دیگر تا سال ۹۸۵ ق/ ۹۵۶ خ. که مصادف با آغاز پادشاهی شاه محمد خدابنده است می پردازد. (همان، ص ۱۷). در این کتاب اتفاقات زمان اوزون حسن به تفصیل مطرح شده است. طغیان پسرش اغورلو محمد، سرانجام دستگیری بدست پدر و کشته شدن او، آخرین واقعه عمده سلطنت اوزون حسن، لشکرکشی او به قلیس و گرفتن اسیر و غنایم بسیار، اوج قدرت و مکتد او و بالاخره درگذشت در سال ۸۲۲ هـ ق سخن رفته است. (روملو، ۱۳۷۲: ۱۱۱). درست است که احسن التواریخ مهمترین منبع برای تاریخ ایران در دوران شاه تهماسب یکم صفوی است ولی به بررسی دوره های قبل هم پرداخته است و در آن شرح حال شاعران و نویسندگان و هنرمندان دوران مذکور آمده است و از این لحاظ، این کتاب فقط به تاریخ سیاسی و جنگها نمی پردازد بلکه تاریخ فرهنگی را نیز مدنظر دارد. این کتاب نثری ساده و روشن دارد و از اشعار فارسی نسبتاً زیادی که در متن آورده شده است برخی سروده خود حسن بیگ روملو است.

۵. رساله عرض نامه جلال الدین دوانی

نویسنده این کتاب یعنی جلال الدین محمد بن سعدالدین اسعد صدیقی دوانی (۹۰۸-۸۳۰ق) معروف به محقق دوانی، از دانشمندان محقق در کلام و فلسفه اسلامی است که در قرن نهم در حوزه فلسفی شهر شیراز درخشید. او بر بسیاری از آثار فلسفی و کلامی حاشیه زد و آنها را شرح کرد. آثار علمی وی (به ویژه حواشی و تعلیقات او بر کتاب شرح تجرید علامه قوشچی) در حوزه های علمی دوران خودش مورد بحث و تحقیق قرار گرفت. وی اهل روستای دوان در نزدیکی کازرون (استان فارس) زمان سان ارتش، خود در محل سان که در «بند امیر» واقع در جنوب تخت جمشید بوده حضور داشته و این «عرض نامه» را به امر سلطان خلیل یکی از پسران اوزون حسن نوشته است. (دوانی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲). جلال الدین دوانی به عنوان کارگزار حکومت آق قویونلو با انجام وظائف دیوان سالاری مانند قضاوت، به نظریه پردازی و نیز ارائه راهکارهایی پیرامون رفتارهای حکومت نسبت به مردم پرداخت. کتاب عرض لشکر یا عرض سپاه اوزون حسن از جلال الدین دوانی که در سال ۸۸۱ ق شرح نظام لشگری سلطان خلیل، فرزند اوزون حسن و حاکم فارس، را دیده و به عنوان شاهد عینی نوشته و همه بزرگان دولت و رجال دیوانی و قضایی را نام برده و اطلاعات ارزشمندی در باره حکومت شاهزاده خلیل در فارس و پدرش اوزون حسن و دستگاه سلطنت آق قویونلو دارد ولی در مورد محتسب مطلب زیادی ذکر نکرده است. عرض دوانی جزو آثار نادر تاریخی است که وضع اداری و اقتصادی یک مرحله مهم از تاریخ ایران را بدست می دهد، چیزی که در تاریخ های دیگر به ندرت یافت می شود. بدین ترتیب از این کتابچه می توان به مقامات ارتش و دیوان، تعداد آنها، روابطشان با دستگاه سلطنت و روحانیت از سوئی و تا حدی مردم عادی از سوی دیگر، همچنین لغات و اسامی مورد استفاده در دولت و ارتش، و حتی تا حدی ترکیب قومی و مردم شناسی ارتش و دیوان و بعضی جزئیات دیگر اجتماعی پی برد. اهمیت دیگر این کتابچه بخاطر پرداختن به دوره آق قویونلو در تاریخ ایران و منطقه است که مرحله حساس گذار بوده است، مرحله شکل گیری و رویارویی ایران و عثمانی و در عین حال مرحله آخرین کوچ بزرگ و مهم انبوهی از قبایل ترکمان از آناتولی به ایران و تعداد پرشماری از قبایل گرد ایران به عثمانی. طوری که میدانیم اگرچه حکمرانان آق قویونلو مسلمان سنی بودند اما رویارویی آنها با عثمانی کمتر از رویارویی بعدی صفوی و عثمانی نبود. رقابت و مبارزه اصلی آق قویونلو و عثمانی هم بر سر حاکمیت بر شرق آناتولی و پادشاهی رومی - مسیحی ترابوزان (طرابزون) بود و علت اصلی ازدواج شاهدخت های مسیحی ترابوزان با اوزون حسن و شاهزاده های آق قویونلو و تلاش نزدیکی اوزون حسن به اروپائیان نیز اساساً مقاومت در مقابل عثمانی بود. عثمانی که بر گسترش حاکمیت خود در اروپا متمرکز بود کوشش می کرد ترابوزان را تصرف کند اما در عین حال با شورش و نارضایتی از طرف علویان ترک زبان آناتولی روبرو بود که به جریانات شیعه در ایران تمایل نشان می دادند و از نظر امنیت داخلی خطری جدی برای عثمانی بودند. اما آق قویونلوها که قبیله ای ترکمان بودند، در شرق آناتولی پخش شده بودند. حتی پایتخت آق قویونلوها ابتدا «آمد» (دیاریک) بود ولی در اثر فشار بیش از حد عثمانی و حمایت قبایل گرد از عثمانی و مخالفتشان با ایران، اوزون حسن پایتخت خود را از دیاریک به تبریز انتقال داد و انبوهی از قبایل ترکمان خود را به آذربایجان و قفقاز منتقل کرد که ظاهراً ترکیب قومی و زبانی آذربایجان ایران و قفقاز را بطور تعیین کننده ای تغییر داد. در همین مدت و در بحبوحه بر سر کار آمدن صفویه در ایران و رسمیت مذهب شیعه، انبوه بزرگی از قبایل گرد ایران به آناتولی شرقی کوچ کردند که به گفته تاریخ شناسان ترک باعث تقویت عنصر کردی در این منطقه عثمانی شد. در شرق آناتولی نیز ده ها هزار نفر از قبایل ترک زبان و علوی که با اداره عثمانی و مذهب رسمی تسنن موافق نبودند به ایران مهاجرت کردند.

۵. اخلاق جلالی

اخلاق جلالی یا لوامع الإشراف فی مکارم الاخلاق کتابی است از جلال الدین دوانی که آن را به تبعیت از اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی نگاشته است. جلال الدین محمد دوانی (م ۹۰۸ق) با الگو قرار دادن اخلاق ناصری به نگارش کتابی برای سلطان خلیل - پسر اوزون حسن - فرمانروای آق قویونلو همت گمارد که اکنون از آن به عنوان اثری ماندگار و اثرگذار در تاریخ «سیاست نامه نگاری های عرفی» می توان یاد کرد: لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق که بیشتر به نام «اخلاق جلالی» شناخته می شود و بر سیاست نامه های عرفی پس از خود در امپراتوری های صفوی و عثمانی و مغولی هند اثری ماندگار گذاشت. اخلاق جلالی دارای یک «تمهید» و هفت «مطلع» و سه «لامع» است و هر لامع مشتمل بر چند «لمعه» می باشد. عنوان لامع نخست «در تهذیب اخلاق» است که مشتمل بر ده لمعه می باشد که عبارتند از: در حصر مکارم اخلاق، فضایل چهارگانه حکمت، شجاعت، عفت و عدالت، در بیان انواعی که تحت هر یک از اجناس فضایل چهارگانه اند، ذکر صفاتی که همانند فضایل و نه از جنس آنها هستند، اجناس رذایل، در بیان شرف عدالت، در اقسام عدالت، در ترتیب اکتساب فضایل، در حفظ صحت نفس، در معالجات امراض نفسانی. لامع دوم «در تدبیر منزل» نام دارد و از شش لمعه با نام های در سبب احتیاج به منزل، در سیاست اقوات و اموال، در سیاست اهل، در سیاست اولاد، در رعایت حقوق پدران و مادران، در سیاست خدمت تشکیل شده است. «در تدبیر مدن و رسوم پادشاهی» لامع سوم است و هفت لمعه دیگر با نام های در احتیاج انسان به تمدن، در فضیلت محبت، در اقسام مدینه، در سیاست ملک و آداب ملوک، در آداب خدمت و رسوم مقربان سلاطین و ارباب دولت، در فضیلت صداقت و وظایف معاشرت با اصداق، در آداب معاشرت با طبقات ناس را در بر می گیرد. (دوانی، ۱۳۹۱، ص ۱۸). پیوست کتاب شامل حواشی و تعلیقات، آیات کریمه، احادیث، جمله ها و عبارات های عربی، ابیات فارسی و ابیات عربی می باشد. جلال الدین دوانی در کتاب اخلاق جلالی که برای سلطان خلیل پسر اوزون حسن نوشته و در موضوعات مختلفی از

قبیل سیاست ملک و آداب ملوک، در آداب خدمت و رسوم مقربان سلاطین و ارباب دولت و... بحث نموده مع الوصف مطلبی در خصوص موضوع حسبه و مسائل پیرامونی آن بیان نموده است. در عوض از تلاش بی وقفه سلطان یعقوب و نهایت عدالت و آبادانی مملکت و مهندسی ایالت ها، به نیکی یاد کرده است. دوانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰)

بر آیند:

کتاب‌شناسی، یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی است و از آغاز پیدایش، تعاریف متعددی از آن صورت گرفته و تطورات و تغییرات بسیار یافته است. کتاب‌شناسی می‌تواند در موضوعات متعددی انجام گیرد که احتساب از آن جمله است. پیرامون احتساب کتابها و تالیفات بسیاری نوشته شده است. در این مقاله مهمترین کتابها در موضوع حسبه در سه دوره ایلخانان، تیموریان و ترکمانان مورد بررسی قرار گرفت. این کتابها بعضاً بطور عمومی، آداب الملوک، احکام السلطانه و سیاست‌نامه و سفرنامه قرار داشت. ضمن اینکه برخی از آنها بصورت مستقل به موضوع حسبه پرداخته و برخی در کنار مباحث دیگر به مبحث حسبه اشاره کرده بودند.

منابع و مأخذ:

الف) کتابها

- ابن اخوه، ضیاءالدین محمد قرشی شافعی مصری، معالم القریه... چاپ قاهره، مصر، ۱۹۷۶م.
- ابن اخوه، ضیاءالدین محمد قرشی شافعی مصری، معالم القریه، ترجمه، جعفر شعار، آئین شهرداری در قرن هفتم هجری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ابن العبري، ابوالفرج جمال الدين ابن العبري؛ تاريخ مختصر الدول؛ ترجمه عبدالمحمدآيتي؛ چاپ اول؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ابن العبري، ابوالفرج جمال الدين ابن العبري؛ تاريخ مختصر الدول؛ ترجمه عبدالمحمدآيتي؛ چاپ اول؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ابن عبري، غريغوريوس، تاريخ الزمان، ترجمه اسحاق ارمله، بيروت، ۱۹۸۶م.
- اقبال آشياني، عباس، تاريخ مفصل ايران از استيلاي مغول، تهران: اميركبير، ۱۳۴۷.
- بارتولد، و، و، تركستان نامه، ترجمه كريم كشاورز، تهران، ۱۳۵۲.
- براون، ادوارد گرانویل، تاريخ ادبي ايران، ج ۲: از فردوسی تا سعدی، ترجمه و حواشی و تعليقات علی پاشا صالح، تهران ۱۳۵۸.
- بویل، جان اندرو، آثار جویی و رشیدالدین به عنوان منابع تاریخ مغول، سخن، دوره ۲۳، ش ۵، (فروردین ۱۳۵۳).
- بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، تهران، ۱۳۵۶.
- جوینی، عطاملک، تاریخ جهان‌گشای، به کوشش قزوینی، محمد، تهران، ۱۳۶۷.
- خنجی فضل‌الله بن روزبهان، سلوک الملوک، به تصحیح محمدعلی موحد، چاپ اول، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲.
- تاریخ عالم آرای امینی، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲.
- خواند میر، غیاث الدین، تاریخ حبیب السیر، به کوشش سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۸۰.
- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد سوم، مدخل ابن بطوطه،
- دوانی، جلال‌الدین، اخلاق جلالی، به تصحیح عبدالله مسعودی آرائی، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۱.
- دوانی، محمد بن اسعد، «ثلاث رسائل»، تحقیق احمد تویسرکانی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۱ق.
- رشید الدین فضل‌الله همدانی جامع التواریخ، به کوشش روشن و موسوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳.
- روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۲.
- سجادی، صادق، سرعنوان، حسب در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲۰، ۱۳۹۱.
- شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا، ۱۳۸۴.
- طهرانی، ابوبکر، دیار بکر، به تحقیق فاروق سومر و نجاتی لوغال، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۳۸۷.
- لقبال موسی. الحسیة المذهبة فی بلاد المغرب العربی. چاپ اول: الجزیره، الشركة الوطنیة للنشر و التوزیع، ۱۹۷۱م.
- موحد، محمدعلی، دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- میرخواند، محمد، روضة الصفا، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، ۱۳۸۰.
- نصیری، محمدرضا، «آثر آفرینان»، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۸.
- وصاف، عبدالله بن فضل‌الله، تاریخ، به کوشش محمد مهدی اصفهانی، تهران، ۱۳۳۸.

ب) مقاله ها

- آل داود، علی، «روضه الصفا بزرگترین تاریخ عمومی زبان فارسی»، نشر دانش، ۱۳۸۱، شماره ۱۰۳.
- باهر، محمد، «چاپ جدید روضه الصفا تصحیحی برگزیده یا اثری نیازمند تصحیح؟»، آینه میراث، شماره بیست و یک، ۱۳۸۲.
- صفت گل، منصور، تازه‌های میراث: نگاهی به تاریخ عالم آرای امینی، تابستان ۱۳۸۵، ش ۲۳.
- قنبری، محمدرضا، سلوک الملوک در آئین کشورداری، کیهان فرهنگی، مهر ۱۳۶۴، ش ۱۹.
- واعظ زاده خراسانی، محمد سرمقاله، کنگره ابن بطوطه در کشور مغرب، مجله مشکات، بهار و تابستان ۱۳۷۶، شماره ۵۴ و ۵۵.